

سازش پذیر نمودن اختلافات در حوزه تعلیم و تربیت اصیل

آریل سرید

هدف مقاله حاضر دو وجهی است: نخست شناسایی و مورد توجه قرار دادن سه جریان عمده در حوزه تعلیم و تربیت اصیل است که خود بیانگر ابهام و در برخی موارد ناسازگاری در درون حوزه تعلیم و تربیت اصیل می‌باشد. این جریان‌ها عبارتند از: (۱) ارتباط میان استقلال و اصیل بودن؛ (۲) اختلاف میان دو نگرش اصلی درباره توجه (care) در آثار مربوط به اصیل بودن و (۳) تقسیم بندی بسیار بحث شده میان حوزه‌های ذهنی و عینی دانش و سازه هویت. من معتقدم با مورد توجه قرار دادن این اختلافات از طریق تمایزی که چارلز تیلور میان جنبه‌های فعال و منفعل اصیل بودن می‌نهد، می‌توان به فهم بهتری از مسائل اساسی که در مفهوم پردازی و کاربرد تعلیم و تربیت مبتنی بر اصیل بودن وجود دارد، دست یافت. هدف دیگر، معرفی آن چیزی است که من آن را «ارتباط با خویشتن اصیل فرا عرفی» PARTS به عنوان یک نقطه اتکا، برای فائق آمدن و سازش پذیر نمودن اختلافات فوق، می‌نامم. در خاتمه با به دست دادن چند نمونه از دورنمای متصور از کاربرد PARTS در فعالیت های تربیتی، به کار خویش پایان خواهم داد.